

پژوهش‌نامه کاشان، شماره هشتم (پیاپی ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۶-۱۰۹



بازشناسی شکلی و ساختار کلی باغ کاشانی در راوند کاشان

احمد نیازمند*

علی علائی**

چکیده:

تا همین چند دهه اخیر در اقصی نقاط ایران، باغ‌هایی با سبک و سیاق باغ‌سازی ایرانی و به سنت پیشین، ساخته و پرداخته شده‌اند. بسیاری از این باغ‌ها در مناطق روستایی و اطراف محدوده شهرهای ایران استقرار یافته و هنوز پابرجا هستند. به همین سبب، شناخت و مطالعه باغ‌های روستایی در گوشه‌کنار ایران حائز اهمیت است. این مقاله ضمن شناسایی و معرفی باغ کاشانی به‌عنوان یکی از باغ‌های روستایی خانی ایران در منطقه راوند کاشان، تلاش می‌کند تصویری خوانا از فضاهای ساختاری و کالبدی سامان‌یافته فضایی باغ مذکور ارائه دهد تا با استفاده از آن‌ها امکان بازیابی شکلی و ساختاری باغ مورد پژوهش فراهم شود. در این پژوهش، سعی شده تا با مراجعه به مصداق مورد بررسی و نیز مطالعات میدانی صورت‌گرفته از منابع مکتوب و اسناد تاریخی نیز برای کسب نتیجه مناسب استفاده شود. باغ کاشانی در قصبه راوند واقع شده و به یکی از خوانین و متمولان محلی متعلق بوده است. عمده فضای باغ به‌صورت محوطه باز بوده و محوطه آن کاملاً از حدود مشخصی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که به‌راحتی از محیط اطراف مشخص است. این باغ واجد عمارتی در درون و حاشیه

* دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت و احیاء ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید

بهشتی. نویسنده مسئول / Ahmad.Niazmand@gmail.com

** دانشیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی / A-alai@sbu.ac.ir

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پیاپی ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



۸۶

•
•
•
•
•
•
•

است. باغ کاشانی با مساحتی بالغ بر ۲/۵ هکتار و با شیبی کمتر از یک درصد (در حدود ۰/۰۳ درصد) بوده که نشان‌دهنده بستر بسیار هموار محدوده استقرار باغ مذکور است. این باغ به شکل متوازی‌الاضلاع است و با کوشکی نزدیک به بخش انتهایی باغ در بستی هموار و با شیب بسیار کم، سازمان و ساختار فضایی منظمی را ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: باغ تاریخی، باغ ایرانی، باغ روستایی، باغ خانی، معماری روستایی، باغ کاشانی، راوند.

مقدمه

باغ و باغ‌سازی نزد ایرانیان، از دیرباز اهمیت و رواج داشته و در طول تاریخ نیز با توجه به شکل‌گیری سبک‌های معماری دوره‌های مختلف تاریخی، دستخوش تغییرات الگویی شده است. باغات تاریخی که بنا به میل و سلاقی مختلف سلاطین و بزرگان شهرهای تاریخی ایران برپا شده‌اند، نشان از اعتبار فراوان این‌گونه از فضاهای ترکیبی معماری و طبیعی دارند. اما علاقه به ساخت باغ، فقط مختص پادشاهان نبوده و این علاقه‌مندی در ساخت و پیرایش توأمان فضاهای معماری و مصنوع گیاهی، در سایر مناطق شهری و روستایی توسط اقشار ثروتمند و اربابان نیز استمرار یافت. این گروه از باغ‌ها را می‌توان باغ‌های روستایی نامید. در ابتدای این گفتار، لازم است به تعریف باغ‌های روستایی برای روشن‌تر شدن مفهوم باغ روستایی پردازیم.

باغ‌های روستایی معمولاً متعلق به خوانین و بزرگان بوده و در حوزه روستاهای پیرامون شهرها یا دور از آن‌ها قرار گرفته‌اند. این باغ‌ها تنها به قصد باغبانی بنا ساخته نشده، بلکه برای زندگی فصلی، دائمی یا تفریح بنا شده‌اند. باغ‌های روستایی نه تنها محوطه مشخصی دارند، بلکه حداقل واجد عمارتی در درون یا حاشیه خود هستند (علائی، ۱۳۹۴: ۱۷). با توجه به این تعریف، این‌گونه به نظر می‌رسد که باغ‌های روستایی نیز بافتی مشابه باغ‌های شاهی داشته‌اند، با این تفاوت که گاهی دارای ساختاری مختصرتر و الگویی ساده‌ترند.

گفتار پیش‌رو بخشی از پژوهش شناخت و مطالعه باغات موجود در منطقه راوند با تکیه بر باغ کاشانی، به منظور شناخت الگو و ساختار اندام‌های شکل‌دهنده کالبد باغ مذکور است.

۱. روش تحقیق

این تحقیق عمدتاً بر مبنای پیمایش‌های میدانی و مراجعه مستقیم به مصداق موردبحث در سه گام اصلی بوده است. در گام نخست، ابتدا به بررسی بستر و گستره قرارگیری و شکل‌گیری کالبدی اثر پرداخته شده است. در خلال پژوهش‌های میدانی، یافتن مطلعان قدیمی و بومی برای انجام مصاحبه و تحقیق، که همگی در دوره‌های مختلف آبادانی و فعالیت اثر، در این عرصه، مشغول باغبانی بوده‌اند، گام مؤثر بعدی بوده است. در نهایت، برای تکمیل فرایند تحلیل اطلاعات به دست‌آمده در گام‌های قبلی، در گام سوم به بررسی و مطالعه اسناد و مدارک مکتوب، برای

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



تحصیل شناخت بیشتر و بهتر بسترهای تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی اثر مورد پژوهش پرداخته شده است.

۲. باغ در بستر

کاشان از شهرهای تاریخی ایران است که در محدوده مرکزی فلات ایران و در حاشیه کویر قرار گرفته است. محدوده جغرافیایی آن از سویی رو به کویر و از سوی دیگر، در دامنه کوه‌های سمت جنوب و جنوب غربی آن واقع شده است؛ از این رو، آب‌وهوای این شهر همواره کویری است. در عین حال از آنجاکه بستر جغرافیایی کاشان به کوهستان سمت جنوب و جنوب غربی گشوده می‌شود، مناطق جنوبی مرتفع و معتدل‌ترند. جغرافی دانان اسلامی در گذشته، شهر کاشان را جزو ایالت جبال یا عراق عجم محسوب می‌کردند.

شهر کاشان در شرق و شمال شرقی، جلگه‌ای است و به دشت کویر منتهی می‌شود و قسمت‌های غربی و جنوبی آن کوهستانی است. هوای کاشان به دلیل موقعیت بستری که بر آن واقع شده است و از دو جهت رو به سوی کویر و کوهستان دارد، در بخش‌های کم‌ارتفاع و پست، گرم و خشک و توأم با گردوغبار و در بخش‌های مرتفع‌تر، معتدل و سرد است. محدوده کاشان از گذشته‌های دور به سبب ویژگی‌های جغرافیایی، از جمله زمین حاصلخیز و نیز آب چشمه‌ها و کاریزهای دیرپای خود، مسکون بوده است.

آبرسانی منطقه بیشتر توسط کاریزها انجام می‌شود، به گونه‌ای که محل سکونت و همچنین توسعه مناطق مسکونی همیشه تابع مسیر حرکت آب بوده است (کریمی، ۱۳۶۸: ۲۰۳ و ۲۰۵). از دوران ساسانی، آثاری همچون آتشکده نیاسر، بر سکونت در این محدوده جغرافیایی دلالت دارد و مورخان صدر اسلام از جمله اعثم کوفی، در توصیف و تشریح جنگجویان ایرانی، چندین مرتبه به مردانی از کاشان اشاره کرده‌اند.

در دوره اسلامی، حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب*، بنای شهر کاشان را به زبیده‌خاتون همسر هارون الرشید نسبت می‌دهد. اهالی کاشان پس از فتح شهر و ویرانی آن توسط مسلمانان، دشت کاشان متفرق شدند و در قرن دوم هجری در محلی به نام چهل حصاران اقامت داشتند؛ چهل حصاران ناحیه‌ای در دشت فین است که اکنون اراضی جنوب غربی کاشان را در خارج از دروازه فین شامل می‌شود و بقعه معروف به ابولؤلؤ یا بابا شجاع‌الدین در آنجا واقع است (همو: ۲۰۷).

حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری درباره کاشان می‌نویسد: «آبش از کاریز فین و رودی است که از قهرود و نیاسر آید و از میوه‌هایش خربزه و انگور نیکوست. مردم آنجا شیعه اثناعشری‌اند و اکثرشان حکیم‌وضع و لطیف‌طبع و در آنجا جهال و بطل کمتر باشد. حقوق دیوانی آن شهر به تمغا مقرر است و در ولایتش، هجده پاره دیه است و اکثرش معظم» (۱۳۳۶: ۷۳).

در پی توجهاتی که به خصوص در دوره صفویه به شهر کاشان صورت گرفت، «کاشان شهری پرنعمت و پاکیزه شد که آب آن به وسیله کاریزها تأمین می شد. برای دسترسی به آب که در زیرزمین جاری بود، سردابها داشت که حوضی در میان آن ساخته شده بود. خانه‌ها نوبنیاد و اکثراً در میان باغها ساخته شده بودند» (کریمی، ۱۳۶۸: ۲۱۸).

زین العابدین شیروانی در *بستان السیاحه*، کاشان را چنین توصیف کرده است: «بلده‌ای است مسرت‌نشان از اقلیم چهارم... آب آن دیار بیشتر از قنات است و بزرگ‌ترین آن‌ها چشمه قنات فین و آن جای دلنشین است. یک فرسخ از شهر دور و به غایت معمور و همه چیزش موفور است. ملوک صفویه، عمارت دلگشا و باغات بهجت‌افزا در آنجا ساخته‌اند... الحق شهر کاشان را عروس ایران توان گفت» (بی تا: ۴۸۷).

۳. منطقه راوند

در *معجم البلدان* در باب راوند آمده است: «با نون ساکن و دال بی نقطه پایانین، شهرکی است نزدیک کاشان و اصفهان. همزه گوید: ریشه آن راهاوند است به معنی نیکی مکرر. برخی گفته‌اند راوند شهری باستانی در موصل است که راوند بزرگ پسر بیوراست (ضحاک) آن را بنیان نهاده. او گوید: دو مرد از بنی اسد به اصفهان رفتند و با دهقانی پیمان برادری بستند. و این در جایی به نام راوند بود. پس با او همنشین ماندند تا یکی از آن دو درگذشت و اسدی دیگر با دهقان بماند. و این دو بر سر گور دوست سوم می رفتند و دو جام می نوشیدند و جام سوم را به روی گور او می ریختند. سپس دهقان درگذشت. پس اسدی به تنهایی بر سر گور آن دو می رفت و این شعر را زمزمه می کرد. برخی گویند این شعر از آن قس بن ساعده ایادی است که درباره دو دوست خود که پیش از او در گذشته‌اند، سروده است. دیگری گوید این شعر از آن نصر بن غالب است که در عزای اوس، پسر خالد و انیس سروده است» (حموی، ۱۳۸۳: ۴۹۷).

در *لغت نامه دهخدا* در باب راوند آمده است: «نام قصبه‌ای است از بخش مرکزی شهرستان کاشان واقع در یازده هزار گزی شمال باختری کاشان؛ سر راه شوسه کاشان به قم. این قصبه در دامنه کوه واقع شده و هوای آن معتدل و جمعیت آن در حدود ۱۹۱۰ تن است. آب راوند از رودخانه ناظر تأمین می شود و محصول عمده آن غلات، میوه، خربزه و هندوانه است. پیشه مردم کشاورزی و دامپروری است و زنان به بافتن قالی اشتغال می ورزند. این قصبه دارای دبستان و چندین باب دکان و دو قهوه‌خانه، سر راه شوسه می باشد.»

منطقه راوند در سمت غرب شهر کاشان و در فاصله حدود ۵ کیلومتری و در جوار کوهپایه‌های رشته کوه زاگرس قرار گرفته و به این دلیل، از آب و هوایی به مراتب معتدل تر برخوردار است. وجود آب دائمی کاریزها به رونق زراعت و باغداری در منطقه کمک کرده است.



شکل ۱: عکس ماهواره‌ای منطقه راوند (www.usgs.gov)

دسترسی به منابع آب که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مکان‌یابی شهری است، همواره مورد توجه بوده است. بررسی کلی جغرافیایی شهرهای ایران به‌خوبی، وابستگی میان زندگی شهری و دسترسی به منابع آب را نشان می‌دهد. به‌دلیل تنوع اقلیمی و محیط طبیعی، در بسیاری از مناطق که از منابع آب سطحی به دورند، نیاز مردم برای دسترسی به آب، از راه منابع زیرزمینی چون قنات و چاه‌ها حاصل می‌شود.

منطقه راوند نیز از این قاعده مستثنی نبوده و حول محور عبور آب قنات راوند شکل گرفته است. بافت شهری منطقه به‌شدت تحت تأثیر ویژگی‌های مربوط به استفاده از آب در طول و عرض جهت اصلی توپوگرافی و زمین‌های حاصلخیز شکل گرفته است. شکل‌گیری ارگانیک مجموعه سکونتگاه‌های منطقه راوند، علاوه‌براین به‌لحاظ استفاده از مصالح و نوع معماری، مشابه ویژگی‌های سایر مناطق هم‌حوزه است.

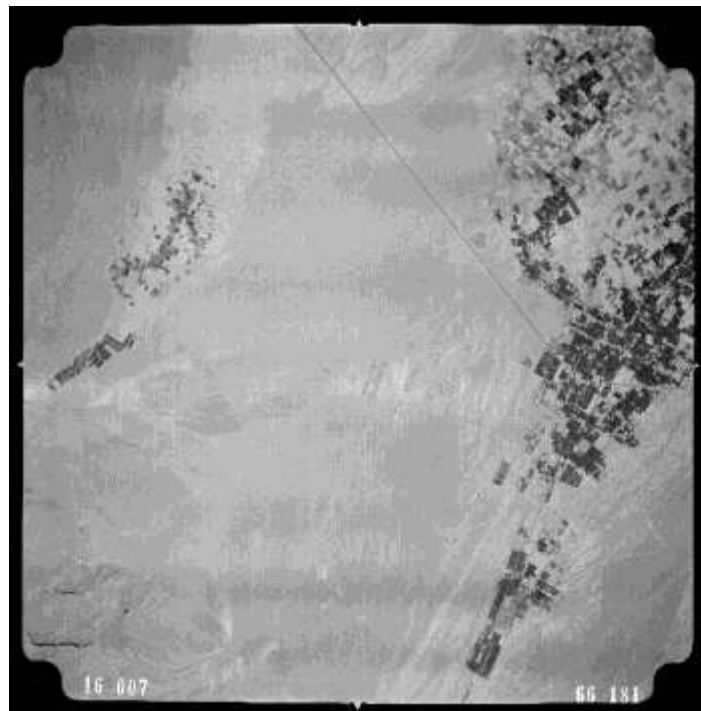
از این‌رو عناصر تأثیرگذار بر شکل منطقه و بافت کالبدی آن در دهه‌های اخیر را می‌توان در عوامل زیر خلاصه کرد:

- احداث خیابان‌ها و بلوارهای عریض در راستای طولی و عرضی منطقه راوند که خود باعث تخریب و تغییر بخش‌های زیادی از بافت ارگانیک منطقه شده است.
- کم آب شدن، خشک شدن و از بین رفتن کاریزهای فعال در منطقه به‌واسطه بی‌توجهی و عدم رسیدگی به آن‌ها و همچنین حفر چاه‌های عمیق.

● از دست رفتن کارایی عناصری مانند آسیاب‌ها و آب‌انبارها در طول مسیر حرکت آب قنات راوند. (اگرچه به‌لحاظ نقش در زندگی امروز مردم، ماهیت وجودی خود را از دست داده‌اند.)

● رشد و توسعه شهری در راستای محور ارتباطی راوند به کاشان، راوند را به‌عنوان بخشی از کاشان درآورده است. میل به ساخت‌وساز و توسعه نسنجیده در این منطقه، باعث تغییر سیمای راوند از مجموعه‌ای از باغ‌ها، کشتزارها و خانه‌باغ‌ها به شکل یک بافت شهری با تراکم بالا خواهد شد.

راوند با قرارگیری در حاشیه کویر، به‌دلیل وجود منابع آبی قابل توجه، منظومه‌ای از باغ‌ها و کشتزارها را در خود جای داده است. بیشتر درختان این باغ‌ها مثمر بوده که به‌همراه کشتزارهای اطراف آن‌ها در تأمین نیازهای منطقه، طی سال‌های متمادی نقش داشته‌اند. اگر به منظومه باغ‌ها و ارتباطشان با یکدیگر نظری بیندازیم، درمی‌یابیم که مسیر حرکت آب قنات راوند، محور طولی و اصلی مجموعه باغ‌ها و کشتزارهای راوند است. باغ‌های سرسبزی که با نظم هندسی ناشی از توپوگرافی زمین، مسیرهای حرکت آب، گذرها و دسترسی‌ها، مالکیت‌ها و کاربری‌های خاصی همچون آسیاب‌ها شکل یافته‌اند، بیش از هر چیز دیگری در منطقه خودنمایی می‌کنند.



شکل ۲: عکس هوایی منطقه راوند، سال ۱۳۴۴ (سازمان نقشه‌برداری کل کشور)

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



عبدالرحیم کلانتر ضربابی دربارهٔ خاک و گونه‌های درختان و گیاهان این منطقه چنین می‌نویسد:

«... که زمین کاشان مطلقاً چه بلده و چه بلوک، چه گرمسیر و چه سردسیر، چه ریگ‌بوم مانند علی‌آباد و نوش‌آباد و آران‌ویدگل و ابوزیدآباد و گز و خرم‌دشت و نصرآباد جیرویه... و چه خاک‌بوم مانند قراء و مزارع طسوج یزدل و نصرآباد و راوند و طاهرآباد و مشکان و ساروق و مزارع آن حدود الی شوراب، رشوت‌طلب است و از خاشاک و خاکروب و خاک کهنهٔ عمارات مندرسه لاید و ناچار است و هیچ حاصلی بی‌خاشاک به‌عمل نیامده مگر گندم و نخود و هندوانه... و همهٔ خانه‌ها در باغات واقع شده و کمتر خانه‌ای است که در باغ و مشرف به باغات نباشد. و از اشجار همه صنفی به‌غایت خوب و برومند می‌شود به‌هذه التفصیل غالب اشجار باغات درخت انار زاغه و شاه‌پسند و... و مسلماً انار به درشتی و خوش‌طعمی و لطافت و نراکت و پوست‌نازکی و خوش‌دانگی و خوش‌نمایی در تمام ربیع مسکون یافت نمی‌شود. و انگور نیز بسیار ممتاز تربیت می‌گردد: از قبیل انگور عسکری بی‌دانه و شاهانی و شیرازی و نظیر آن‌ها و آلوچه و انواع قیسی و زردآلو و هلو و شفتالو و گلابی و آلوبالو و سیب و به و انجیر و انواع توت‌های خوراکی در کمال لطافت و نراکت و حلاوت، از قبیل توت سفید بی‌دانه و توت شمیرانی و توت سیاه و شاه‌توت، و اما محصول زمینی دشتی همه نوعی در کمال خوبی به‌عمل می‌آید، از قبیل جو و گندم و ذرت و گاورس و نخود و لوبیا و ماش و عدس و سنگک و خربزه و هندوانه و خیار و بادنجان و چغندر و شلغم و کلم و ترب و سیب‌زمینی و زردک و کاهو و اسفناج و جعفری و پیاز و سیر و تره‌تیزه و پودنه و نعنای و ریحان و بادنجان فرنگی و نظایرها. و از مرکبات نیز نارنج و لیمو و بکرایبی تربیت می‌شود و از هر جهت خوب به‌عمل آید، ولی در زمستان حفظ آن‌ها از سرما و برف لازم است و از درختان سردسیری گردو و بادام و فندق و گیلاس نیز تربیت می‌شود و کذلک پسته ممتاز به‌عمل می‌آید. خلاصه اگر گرمسیر است، متن باغ را درخت انار و اطراف خیابان‌ها و جوی‌های آب‌گذار را انجیر و بعضی درخت‌های میوه‌دار و پاره‌ای درخت‌های بالادار مانند سپیدار و چنار غرس کنند. و اگر آن باغ در سردسیر باشد، متنش را درخت انگور و خیابان‌ها و جوی‌های آب‌گذار اطرافش را درخت‌های میوه‌دار مانند سیب و به و قیسی و گلابی و گنجانی و الگ و هلو و نظایرها جنساً و نوعاً مع افراد هم و در فاصلهٔ هریک درخت‌های بالادار از قبیل صنوبر و سفیدار و عرعر و چنار به نظم و ترتیب و قطار برنشانند، چنان‌که اگر از طرف طول خیابان‌ها بر دو طرف جوی‌ها مشاهده شود، ساقه‌های آن‌ها همه یکی نماید و درهم پنهان باشد» (۱۳۷۹: ۸۰ و ۸۱).

او همچنین درباره منابع آبی راوند چنین می‌گوید:

«... و یکی دیگر از آب‌های قدرتی کاشان آب قریه راوند است که مظهر و منشأ آن مزرعه نابر برزک است. اگرچه الحال چند پشته چاه حفر نموده‌اند، ولی آن آب قدرتی است و در اول از زمین جوشیده سرایش می‌شده. و ارباب بصیرت و اصحاب دانش و بینش و خیرت را عقیده آن است که آن آب و آب چشمه فین از یک منبع است و روشنی و صفا و طعم و مزه و صفات دیگر آن نیز دلالت به صحت عقیده آن‌ها می‌نماید. و از همه دلایل مزبوره بهتر آن است که چنان‌که آب چشمه فین در سال‌های کم‌آبی که اغلب چشمه‌های کاشان بخشکند بلکه آب‌های قنات‌های قعری بسیار کم شوند، از اندازه و مقداری که هست هیچ نقصان نپذیرد، اگرچه در سال‌های پر آبی زیاد شود ولی در کم آبی کسر نگردد مگر آنچه علاوه معیار و مقدار اصلی آن شده باشد بعینه آب چشمه نابر که به قریه راوند می‌آید، نقصان‌پذیر نیست. و اینکه در بعضی سال‌ها آب راوند کم می‌شود، به آن علت است که راوند غیر از قنات نابر چهار رشته قنات دیگر دارد که در رودخانه و مسیل واقع شده‌اند. بعضی از سال‌ها که در ایام ربیع، سیلی از آن رودخانه سرایش گردد، آن قنات مزبوره را بکوبد و به این واسطه آب قریه راوند کم شود، چنان‌که در سنه ماضیه چنین حادثه‌ای رخ نمود و ضرر کم‌آبی به اهل آن قریه حاصل گردید و نیز اتفاق می‌افتد که سیل به اصل قنات نابر افتاده چاه‌های دهنه آن را مسدود کند و ک آبی برزک به آن قریه عارض شود.

مع‌القصه، قریه راوند که از مستحذات راوند بن ضحاک است، به عیون خمسه دایر و مشروب می‌باشد و جزو عمده بلکه اصل اصیل چشمه قنات نابر است که هشت فرسخ طی مسافت نموده وارد به قریه مزبوره می‌شود. شش فرسخ که از منشأ خود تجاوز نمود، وارد رودخانه سوک‌چم می‌شود و از چهار قنات دیگر به قطع هر میلی راه یکی از آب‌ها بر روی آن نهر ضمیمه می‌گردد و همه‌جا می‌آید تا از آن رودخانه تا شده به جلگه و همواره داخل گشته. ده باب آسیاب است که به ترتیب در معبر آن نهر واقع شده و در حوالی هریک از آن طواحین، باغی و اشجاری مخصوص صاحب آن آسیاب مشروب می‌شود و چون وارد دشت راوند شود، مقسمی است که منقسم به چهار برج می‌گردد. ... و همه آب قریه راوند چه در سال‌های پرآبی و چه در اوقات کم‌آبی، ب چهار برج تقسیم می‌شود و هر برج در مدار هشت شبانه‌روز گردش می‌نماید که عبارت از شانزده طاق باشد که بعبارة اخری چهار برج شصت و چهار طاق می‌شود. و اما محصول آن آب باغاتی و دشتی است و باغستان آن قریه زیاد است و جزو عمده ثمر باغات، انار است. و آنچه در قریه فین از باغاتی و دشتی به اسم و رسم از محصولات

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



معروض و مذکور شد به‌تمامه در قریه مزبورۀ راوند نیز به‌عمل آید» (همان: ۸۲ و ۸۳) در ادامه خواهیم کوشید تا شناختی نسبت به اثری همچون باغ کاشانی از طریق بررسی و مطالعه کالبدی فضایی و کارکردی خود باغ و نیز باغات دیگر موجود در منطقه کسب کنیم. تعدادی از باغ‌ها و خانه‌باغ‌های ارزشمند در منطقه راوند عبارت‌اند از: باغ سردار، باغ رجبی، باغ قاضی‌بالا، باغ آقامحمد، باغ خان، خانه‌باغ منصوری، خانه‌باغ عمارت، خانه‌باغ ارباب ماشالله، خانه‌باغ قطبی و نیز بسیاری باغات و خانه‌باغ‌های ارزشمند و معظم دیگر، همچنین آسیاب‌ها و آب‌انبارها و عناصر باارزش دیگر موجود در بافت منطقه که در حوصله این گفتار نمی‌گنجند.

۴. شناخت فضایی کالبدی باغ کاشانی

خاک و آب از عوامل بسیار مهم در شکل‌گیری باغ‌ها هستند. به همین سبب، پس از یافتن بستر و خاک مناسب، دستیابی به آب و سوار بودن آب بر زمین موردنظر، بسیار مهم و ضروری است. بدین منظور برای روشن‌تر شدن فضای ساختاری و کالبدی باغات راوند، ابتدا به شرح مختصری از دو باغ خواهیم پرداخت که هم از نظر قدمت از باغ کاشانی قدیمی‌ترند و هم جزو اولین باغ‌های شکل‌گرفته در مسیر حرکت آب قنات راوند هستند. گفتنی است آب قنات راوند پس از آفتابی شدن از میان این باغ‌ها عبور کرده و به‌سمت محلات مسکونی و سایر باغ‌ها از جمله باغ کاشانی روان می‌شده است.

در این بخش، به شناخت کالبد و فضاها و همچنین هرآنچه فضاهای معماری باغ را سامان می‌دهد، می‌پردازیم. در این مجال، برای شناخت فضایی کالبدی و شناخت کارکردها، ضمن مطالعه نمونه‌های موردی موجود در بافت، پیکره کلی ساختار موجود باغ کاشانی و تمام بخش‌هایی که در تبیین این ساختار نقش دارند، بررسی خواهند شد. در این بخش سعی شده است تا تمام اندام‌های اصلی باغ براساس نموده‌های عینی همچون صحن باغ، خیابان‌ها، کرت‌ها، حصار و... براساس مفاهیم الگویی بررسی شوند.

در اولین گام از طی مسیری که هدفش جز شناخت و معرفی باغ نیست، بدون شک نمی‌توان از شناخت وضع موجود یا آنچه پیش از این موجود بوده، غافل شد. هر گونه تعریف از اثری که ژرفای تاریخ را بستر خود ساخته، بی‌تأمل بر آن و زوایای گاه تاریکش و نیز بستری که در آن آرام گرفته است اگر ناممکن نباشد، دست‌کم دشوار خواهد بود.



دیاگرام ۱: موقعیت قرارگیری باغات سردار، قاضی بالا و کاشانی در مسیر آب قنات راوند (نگارنده، ۱۳۹۴)

۵. باغ سردار



شکل ۳: وضع موجود از عمارت باغ سردار (نگارنده، ۱۳۹۴)

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان

اولین باغ در مسیر آب راوند، باغی است مستطیل شکل به ابعاد تقریبی ۲۴۰×۳۵۰ متر، با شیب متوسط حدود ۳ درصد و مساحتی بالغ بر ۸ هکتار. باغ موسوم به سردار متعلق به اواخر دوره قاجار

است. عمارت باغ نسبتاً سالم و در انتهای باغ قرار گرفته است. باغ فاقد حوض یا استخر بوده و خیابان‌کشی به صورت معمول باغات تاریخی در آن دیده نمی‌شود. آب در مسیر حرکت قبل از ورود به باغ، وارد آسیابی موسوم به آسیاب سردار شده و سپس از کنار ورودی اصلی، وارد باغ می‌شود و پس از طی مسیر در طول باغ از آن خارج می‌شود. بقایای درختان تنومند (احتمالاً سرو) در محوطه اطراف عمارت، به وضوح مشهود است.



دیاگرام ۲: طرح شماتیک از ساختار فضایی کالبدی باغ سردار (نگارنده، ۱۳۹۴)

۶. باغ قاضی بالا



دیاگرام ۳: طرح شماتیک از ساختار فضایی کالبدی باغ قاضی بالا (نگارنده، ۱۳۹۴)

باغ دیگر موسوم به قاضی‌بالا که پس از باغ سردار در مسیر آب راوند قرار دارد، به شکل مستطیل نامنظمی به ابعاد تقریبی ۱۹۵X۳۴۷ متر، با شیب متوسط حدود ۳ درصد و مساحتی بالغ بر ۶ هکتار است. باغ حدوداً متعلق به اواخر دوره قاجار است. عمارات موجود در باغ و همچنین آسیاب داخل باغ به شدت آسیب دیده و در حال تخریب‌اند. باغ مذکور فرم جالب توجهی دارد. دو عمارت و یک آسیاب و آب‌انبار در محدوده نزدیک به ورودی اصلی باغ قرار گرفته‌اند. آب در مسیر خود از میانه باغ عبور کرده، آن را در راستای طولی به دو بخش تقسیم می‌کند و به آب‌انبار و آسیاب رسیده و سپس از باغ خارج می‌شود. باغ دارای الگوی ویژه و خاص خود است؛ بدین معنی که جوی اصلی آب در راستای محور طولی و اصلی باغ و عمارات و عناصر وابسته به آب، روی محور عرضی و فرعی باغ شکل گرفته‌اند.



شکل ۴: یکی از عمارات موجود در باغ قاضی‌بالا (نگارنده، ۱۳۹۴)

۷. پیکره کلی ساختار فضایی کالبدی باغ کاشانی

باغ کاشانی مجموعه‌ای است که در اوایل دوره پهلوی اول در کنار مسیر شوسه قم کاشان شکل گرفته است. حصار عنصر مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری عرصه باغ بوده و آن را به شکل یک متوازی‌الاضلاع به ابعاد حدود ۱۴۵X۲۰۵ متر، با مساحتی بالغ بر ۲/۵ هکتار درآورده است. بستر باغ با شیب بسیار ملایمی حدود ۰/۰۳ درصد با توپوگرافی زمین همراه شده و فضایی نسبتاً هموار و مسطح را پیش چشم نمایان می‌سازد.



شکل ۵: نمای عمومی از وضع موجود باغ

کاشانی (نگارنده: ۱۳۹۴)

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



در این باغ نیز همچون دیگر باغ‌های ایرانی محورها (خیابان‌ها) جدای از اینکه بخشی از ساختار هندسی باغ‌اند، فضای اصلی آن را نیز تحت تأثیر خود، به نظم و به شکل درآورده‌اند. این محورها که خود در پی طرحی ساده شکل می‌گیرند، فضاهایی را در طرح کلی باغ و تحت ساختار هندسی فضایی خود شکل می‌بخشند تا بسط فضا و استقرار آن‌ها در گستره باغ ممکن شود.

عناصر مهم و تأثیرگذار بر شکل و ساختار فضایی کالبدی باغ کاشانی عبارت‌اند از:

ا. حصار به‌عنوان عامل شکل‌دهنده عرصه باغ؛

ب. ورودی‌های باغ؛

ج. محوره‌های اصلی و فرعی نظام‌دهنده برای ایجاد ساختار هندسی باغ؛

د. قرارگیری عمارت اصلی باغ در محل تقاطع خیابان اصلی و خیابان فرعی؛

ه. آب‌نمای مقابل عمارت در طول محور اصلی باغ؛

و. کورت‌ها؛

ز. حوضخانه و سرداب؛

ح. فضاهای جنبی شامل گاو‌بند و...؛

ط. آسیاب.



دیاگرام ۴: طرح شماتیک ساختار فضایی کالبدی باغ کاشانی (نگارنده، ۱۳۹۴)

۸. مسیر حرکت آب و عناصر وابسته

آب راوند که از چشمه نابر در بزرگ سرچشمه می‌گیرد، پس از طی مسافتی نسبتاً طولانی وارد قریه راوند شده و پس از عبور از باغات موجود در مسیرش به چند شاخه تقسیم می‌شود. یکی از این شاخه‌ها وارد باغ کاشانی شده و باغ را سیراب کرده و از آن خارج می‌شود. گفتنی است که آب

قنات اختصاصی طاهرآباد پس از جاری شدن در سطح زمین و چرخاندن شش سنگ آسیاب، وارد باغ کاشانی می‌شود و در راستای محور طولی باغ، وارد فضای حوضخانه شده و سپس حوض نسبتاً بزرگ باغ را پر می‌کند و پس از آن از باغ خارج شده و به سمت قریه طاهرآباد جاری می‌شود. از آب قنات طاهرآباد برای آبیاری باغ کاشانی، هیچ‌گونه استفاده‌ای نمی‌شود.



شکل ۲: تصویر حوضخانه تخریب شده باغ کاشانی (رضا نبی، ۱۳۹۴)



شکل ۳: تصویر وضع موجود از حوض مقابل عمارت (آناهیتا رنجبر، ۱۳۹۴)

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



•
•
•
•
•
•
•

۹. کرت‌ها

از دیگر اندام‌های مهم در شکل‌گیری ساختار فضایی باغ می‌توان به وجود کرت‌ها اشاره کرد. در

فضای شکل گرفته در باغ کاشانی، بر مبنای تصاویر بازمانده و عکس‌های هوایی دهه ۴۰، ۷ کرت و ۲ باغچه باریک وجود داشته‌اند که قابل شناسایی‌اند. درختان و فضای سبز مصنوع باغ در این کرت‌ها و باغچه‌ها قرار داشته‌اند.



دیاگرام ۵: طرح شماتیک از کرت‌ها و انواع گونه‌های گیاهی موجود در آن‌ها (نگارنده، ۱۳۹۴)

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با باغبانان و مطلعان بومی، به این مجموعه باید ردیفی از درختان سایه‌دار را که در مجاورت حصار باغ قرار گرفته بودند، نیز افزود. همچنین با توجه به بررسی‌های میدانی، می‌توان از وجود حداقل چهار درخت سرو در چهار جهت آب‌نمای مقابل عمارت اطمینان حاصل کرد. درختان مثمر دیگری که در این کرت‌ها وجود داشته‌اند، عبارت‌اند از: انواع گونه‌های انار، انگور، آلوچه، قیسی، سیب، خرمالو، گلابی، توت سفید و شاه‌توت.

۱۰. بناهای باغ

جدا از آن دسته از اندام‌های کالبدی که تاکنون درباره آن‌ها صحبت به میان آمد، می‌توان به عناصر دیگری همچون ابنیه و مستحدثات موجود در باغ اشاره کرد. از جمله این موارد می‌توان به عمارت (کوشک) دوطبقه موجود در فضایی نزدیک به انتهای باغ و نیز عمارت حوضخانه و همچنین سرداب اشاره کرد که در زیر زمین شکل گرفته و به واسطه راهرو باریکی از انتهای عمارت حوضخانه قابل دسترسی است. باغ فاقد عمارت سردخانه بوده و فقط به درب ورودی باغ محدود می‌شده است.

۱۱. عمارت (کوشک)

عمارت دو طبقه میان باغ، اندامی قابل بازشناسی از نظر کالبدی است. این بنای شاخص و نسبتاً مرتفع که نزدیک به فضای انتهایی باغ در محل تقاطع محور اصلی و محور فرعی باغ شکل گرفته است، در فضای باغ نقطه عطفی به شمار می‌آید. فضایی کاملاً هندسی با ابعادی حدود ۱۴×۲۲ متر، شامل فضاهایی از جمله اتاق‌های مسکونی، فضاهای پیش ورودی و تقسیم، انبار و سرویس‌های بهداشتی است. دو دستگاه پله L شکل از دو طرف پله موجود در فضای پیش ورودی در طبقه اول، امکان دسترسی به طبقه بالایی را فراهم می‌کند. به واسطه کوچک‌تر بودن ابعاد اشکوب بالا در دو طرف ساختمان، دو ایوان به وجود آمده است که در زمان دایر بودن باغ، احتمالاً منظر زیبایی را در مقابل دیدگان افراد ساکن در عمارت، به وجود می‌آورده است.



شکل ۸: نمای جبهه شمالی عمارت باغ کاشانی (نگارنده، ۱۳۹۴)



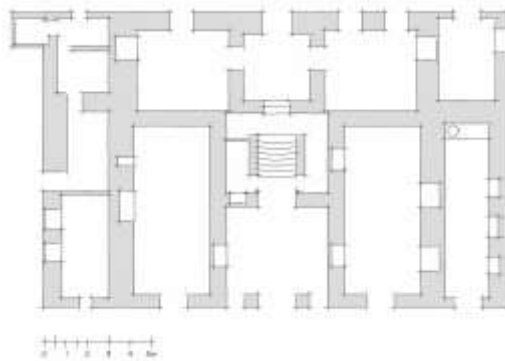
شکل ۹: نمای جبهه جنوبی عمارت باغ کاشانی (نگارنده، ۱۳۹۴)

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان

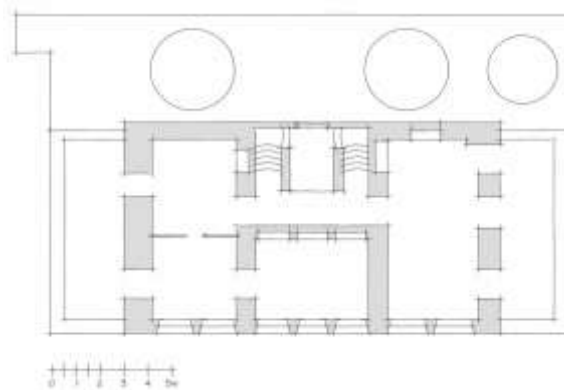




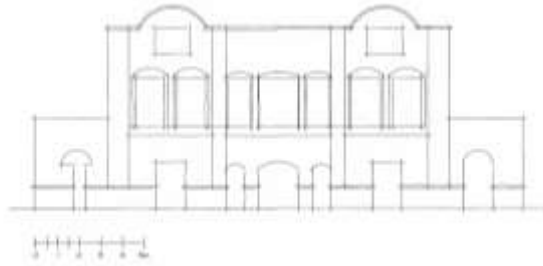
شکل ۱۰: دسترسی عمودی به اشکوب بالا (نگارنده، ۱۳۹۴)



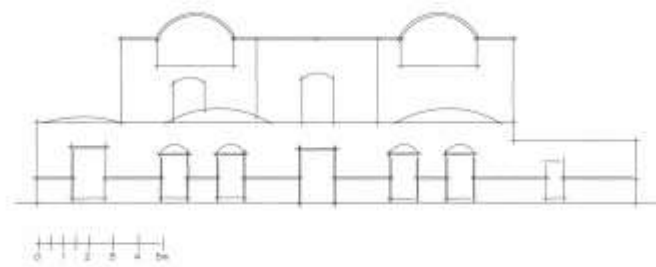
کروکی ۱: پلان طبقه همکف (روح الله تعظیمی فر. بازترسیم: نگارنده، ۱۳۹۵)



کروکی ۲: پلان طبقه اول (روح الله تعظیمی فر. بازترسیم: نگارنده، ۱۳۹۵)



کروکی ۳: نمای شمالی (روح الله تعظیمی فر. بازترسیم: نگارنده، ۱۳۹۵)



کروکی ۴: نمای جنوبی (روح الله تعظیمی فر. بازترسیم: نگارنده، ۱۳۹۵)

۱۲. عمارت حوضخانه

حوضخانه نوعی فضای معماری است که به عنوان اقامتگاه تابستانی در باغ یا خانه احداث می‌شده و در فصل گرما به کار می‌رفته است. نقش اصلی آن فضای واسط بوده است بین درون و بیرون و تأمین شرایط خرده‌اقلیم و آسایش در درون. با توجه به نوع رابطه با باغ یا حیاط و نوع اقلیم، به میزان متفاوتی باز بوده و با منظر محیطش رابطه برقرار می‌کرده است. این فضا به نوعی، نیاز پیوند بین معماری و طبیعت را به وسیله عنصر آب که مقدس، ارزشمند و کمیاب‌ترین عنصر طبیعی بوده، برقرار می‌کرده است. حوضخانه‌ها عموماً دارای مشخصه‌های زیر بوده‌اند:

- در نقطه‌ای ساخته می‌شده‌اند که آب یک رشته قنات به صورت دائمی از آنجا عبور کند؛
 - اطراف آن به صورت مشجر یا حداقل اراضی کشاورزی باشد؛
 - پلان آن‌ها عموماً مربع‌شکل و بعضاً مربع‌مستطیل است؛
 - در وسط همه آن‌ها بدون استثنا یک حوض قرار دارد؛
 - جبهه رو به حیاط و صحن حوضخانه همواره از یک سمت باز بوده است؛
 - به نسبت تمکن مالک، حوضخانه دارای چند اتاق در دو طرف حوض بوده است.
- سیستم عملکردی حوضخانه به این صورت بوده که آب از یک سمت حوضخانه وارد

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



می‌شده و با عبور از حوض آب، از سمت دیگر خارج می‌شده است. علاوه بر اینکه عبور جریان آب باعث خنک‌شدن محیط می‌شده است، در برخی از حوضخانه‌ها با ساخت بادگیر در مجاورت بنا، جریان مداوم هوا وارد این فضا می‌شده که باعث افزایش برودت و مهیا شدن شرایط آسایش در این مکان بوده است. بادگیر به نوعی دیگر، ارتباط فضای بیرونی حوضخانه را با فضای داخلی برقرار می‌کند. نقش باد را مانند آب، نسبت به منظر در این فضا، به خوبی می‌توان احساس و درک کرد.

اطراف حوضخانه دو یا چهار اتاق ساخته می‌شد که معمولاً کف آن‌ها حدود یک متر از کف فضای داخل حوضخانه یا از سطح حوض بلندتر می‌بود، بدین ترتیب سکویی برای نشستن ایجاد می‌شد. ارتباط این اتاق‌ها به وسیله درهای چوبی با فضای داخل حوضخانه امکان‌پذیر می‌شد و گاهی هم به وسیله پنجره از فضای باز اطراف حوضخانه نور می‌گرفت.

عمده دلایل احداث حوضخانه‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- نیاز به فضایی واسط مابین فضای داخل و خارج؛
- حفظ وجوه حیاتی و تقدس آب؛
- نشانه‌ای از اشرافیت و تشخیص؛
- تداوم جریان زندگی در تابستان طاقت‌فرسای کویر؛
- نیاز اقلیمی.

هرچند حوضخانه‌ها قادر نبوده‌اند همه سرما و تهویه‌ای را که در مناطق بیلابلی قابل دسترسی است، به صاحبان و سکنه خود هدیه کنند، در شرایط آب‌وهوایی سخت، این مناطق در تابستان، فضایی مطبوع برای ساکنان خود فراهم می‌آورده‌اند. ایجاد، تغییر و سیر تحول این فضا، به نوعی نشانه تکامل معماری، رشد و همزیستی با طبیعت در این سرزمین است.



شکل ۴: حوضخانه میان باغ کاشانی و بادگیرهای آن که در حال حاضر تخریب شده است (رضا نبی، ۱۳۹۴)

۱۳. سرداب

سرداب یا سردابه فضایی است که اغلب در زیر سطح زمین ساخته می‌شود تا در فصل گرما به آن پناه برند و آب و مواد غذایی را در آنجا نگاه دارند تا خنک بماند. سرداب‌ها معمولاً با به‌کارگیری بادگیرها و همچنین آب خنک جاری کاریزها خنک می‌شده‌اند. سرداب باغ کاشانی در بخش انتهایی باغ بوده، به‌طوری‌که بادگیر موجود در روی سقف سرداب خارج از محدوده حصار باغ و در نزدیکی آسیاب خارج باغ قرار داشته است. از فضای سرداب در باغ کاشانی بیشتر برای نگهداری سرکه و بنشن جات (انبار مواد غذایی خشک) استفاده می‌شده است. دسترسی به این فضا از طریق راهروی باریکی که در انتهای عمارت حوضخانه وجود داشت، میسر می‌شده است. در حال حاضر از بادگیر سرداب اثری وجود ندارد.

با توجه به مطالب ارائه‌شده درخصوص ساختار فضایی کالبدی باغ کاشانی و نیز لزوم مقایسه آن با خصوصیات باغ‌های خانی روستایی موجود در مناطق مختلف روستایی، ضرورت برشمردن خصوصیات و ویژگی‌های باغات خانی روستایی لازم به نظر می‌آید.

۱۴. جمع‌بندی

همان‌گونه که اشاره شد، باغ کاشانی در محدوده قصبه راوند واقع شده و تنها به قصد باغبانی ساخته نشده است و مالکان از باغ به‌منظور سکونت دائم نیز استفاده می‌کرده‌اند. این باغ متعلق به یکی از خوانین و متمولان محلی بوده است. باغ مذکور گمنام و ناشناخته نبوده و کاملاً در میان اهالی روستا یا حتی مناطق اطراف شناخته شده است و توسط خوانین، بزرگان یا متمولان محلی به‌منظور محل زندگی و تفریح ساخته شده است. عمده فضای باغ به‌صورت محوطه باز بوده و محوطه آن کاملاً از حدود مشخصی برخوردار است، به‌گونه‌ای که به‌راحتی از محیط اطراف قابل تمایز است. این باغ واجد عمارتی در درون و حاشیه خود است.

تصاویر هوایی متأخر نشان می‌دهد که محدوده آن در کنار روستا، و به‌وضوح قابل شناسایی و تشخیص است. گرچه پوشش گیاهی آن به‌کلی از بین رفته است و سیمای دوران شکوفایی خود را ندارد و آسیب‌های نسبتاً شدیدی به عمارت یا کوشک آن وارد آمده و دیوارهای چینه‌ای یا خشتی آن فروریخته یا تخریب شده‌اند، وضعیت موجود به‌وضوح نشان می‌دهد که هنوز با مراجعه به این باغ، می‌توان برای ثبت اطلاعات لازم جهت شناسایی طرح و ویژگی‌های کالبدی آن اقدام نمود.

علی‌رغم ناشناخته‌بودن و وسعت کوچک این منطقه، حداقل سه باغ تاریخی قابل مطالعه در آن شناسایی شد که باغ کاشانی در میان آن‌ها از ویژگی‌های بارزتری برخوردار بود. باغ کاشانی پیش از پژوهش‌های صورت‌گرفته فوق نزد محققان حوزه باغ و باغ‌سازی ایرانی ناشناخته بوده و اطلاعاتی از آن در هیچ منبع دیگری ذکر نشده بود.

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



با توجه به اینکه باغ کاشانی رو به ویرانی است و در فهرست آثار ملی ثبت نشده و اطلاعات چندانی از آن در اختیار نیست، تاکنون چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته است. لذا تهیه پرونده ثبتی اثر برای حفظ و بقای نمونه‌های موجود باغ‌های روستایی خانی بسیار ضروری است. به منظور شناخت کامل تر از معماری این باغ و بحث و گفت‌وگو راجع به طرح و سازمان‌دهی فضایی آن، نگارنده به صورت میدانی، همه اطلاعات را از محل برداشت کرده است. با توجه به مطالب اشاره شده حاصل از بررسی‌های میدانی و مطالعات تطبیقی، ویژگی‌های عمومی باغ کاشانی در قالب باغ روستایی خانی بدین شرح ارائه می‌شود:

مساحت باغ‌های روستایی از حدود کمتر از یک هکتار تا گاهی و به ندرت بیش از ده هکتار می‌رسد. اکثر باغ‌های روستایی مساحتی تا حداکثر چهار هکتار دارند.^۲ در این میان باغ کاشانی با مساحتی بالغ بر ۲/۵ هکتار در دسته باغ‌های روستایی متوسط قرار گرفته است. شیب بستر باغ کاشانی کمتر از یک درصد و در حدود ۰/۰۳ درصد بوده که نشان‌دهنده بستر بسیار هموار محدوده استقرار باغ مذکور است؛ به همین دلیل کربندی ندارد.

طرح و سازماندهی فضایی باغ‌های روستایی از تنوع نسبتاً زیادی برخوردار است. باغ روستایی معرفی شده به شکل متوازی‌الاضلاع و با کوشکی نزدیک به بخش انتهایی باغ در بستی هموار و با شیب بسیار کم سازمان و ساختار فضایی منظمی را ارائه می‌دهد. با توجه به مطالب ارائه شده، انتظام فضایی باغ جزو الزامات اصلی باغ‌سازی بوده که رعایت این اصول، ماندگاری این فضاهای معماری و مصنوع گیاهی را ضمانت کرده است.

اولین و شاید مهم‌ترین اصل از مقوله انتظام فضایی درباره بحث باغ و باغ‌سازی ایرانی، رعایت اصول هندسی مبتنی بر الگوهای متقدم‌تر باغ‌سازی، مانند ایجاد محوری فرضی در میانه باغ و به موازات طول آن است. بر این اساس، محور طولی اصلی باغ، عرصه باغ کاشانی را به دو نیمه در راستای طولی تقسیم می‌کند. این محور که اصلی‌ترین رکن باغ می‌باشد، سامان‌دهنده عناصر کالبدی مهمی از جمله ورودی، حوض مقابل عمارت و عمارت دوطبقه موجود در باغ است. شایان ذکر است که ورودی باغ فاقد عمارت سردر بوده و ساختار کالبدی مفصلی همچون باغ‌های معظم شاهی ندارد و فقط امکان دسترسی به باغ را فراهم می‌کند. محورهای فرعی نیز که عمود بر محور اصلی به تناسب نیازهای فضایی شکل گرفته‌اند، فضاهای کالبدی خدماتی با اهمیت کمتری نسبت به فضاهای اصلی باغ را حول محور خودشان سامان داده و در مجموع در عرصه باغ به ایفای نقش پرداخته‌اند. این محورهای اصلی و فرعی که خیابان‌های باغ را به نظم و هندسه درآورده‌اند، در واقع تقسیم‌کننده عرصه باغ به فضاهای هندسی و متوازی هستند که پوشش گیاهی مصنوع متناسب با اقلیم را در خود جای داده‌اند.

اصل مهم دیگری که در باغ بسیار حائز اهمیت بوده و به بیان دیگر، ضامن بقا و حیات باغ

بوده، آب و مسیر حرکت آن در داخل باغ بوده است. آب با حضور در باغ در جوی‌ها جریان یافته، در حوض‌ها و آب‌نماها جمع شده و با ایجاد حرکت و صدا به واسطه وجود فواره‌ها جلوه‌گری نموده و حس طراوت و سرزندگی را به باغ و ساکنان و استفاده‌کنندگان آن می‌بخشد. حرکت و جریان آب درون باغ با شیوه و نظم خاصی از نقطه ورود تا آخرین محل حضور در باغ صورت می‌پذیرد که این همه، خود مرهون وجود نظم هندسی خاص باغ‌های ایرانی است. با این تفاسیر، آب در باغ کاشانی از قسمت انتهایی باغ در پشت عمارت و از کنار یکی از ورودی‌های فرعی باغ، پس از چرخاندن سنگ آسیابی که در بیرون باغ وجود داشته، وارد باغ شده و در درون عرصه باغ در مسیرهای معین خود جریان یافته، پس از سیراب نمودن گیاهان و درختان موجود در باغ و گردش و عبور از کالبد عمارت حوضخانه همجوار کوشک اصلی باغ و نیز حوض بزرگ و زیبای دایره‌ای شکل مقابل کوشک اصلی به سمت خارج باغ و سایر باغات و محلات مسکونی رهسپار می‌شده است.

ذکر این نکته ضروری است که عوامل مشروح فوق خود وابسته به نظم خاک و بستر قرارگیری باغ هستند. بستر باغ کاشانی با شیبی بسیار ملایم پذیرای کالبد معماری و مصنوع گیاهی باغ بوده است.

نتیجه‌گیری

در این بخش، شاید لازم باشد که ابتدا دوباره تعریفی از باغ‌های روستایی ارائه شود. این باغ‌ها که معمولاً به خوانین و بزرگان متعلق بوده و در حوزه روستاهای پیرامون شهرها قرار گرفته‌اند، به مقاصد گوناگونی اعم از زندگی، تفریح و... بنا شده‌اند. باغ‌های روستایی نیز مانند سایر گونه‌ها از محوطه مشخصی برخوردار بوده و واجد عمارتی در درون یا حاشیه خود هستند. بدین ترتیب با توجه به آنچه ذکر شد، مصادیق باغ‌های روستایی را می‌توان به‌عنوان یکی از انواع باغ‌های تاریخی ایران، موردشناسایی و طبقه‌بندی قرار داد. هدف اصلی از ارائه این مقاله ضمن معرفی ویژگی‌های باغ‌های روستایی ایران به‌عنوان یکی از انواع مصادیق باغ‌های تاریخی ایرانی، ذکر دلایل اهمیت و ضرورت توجه به آن‌ها و اشاره به زمینه‌های بکر تحقیق درخصوص آن‌ها و نیز معرفی و ارائه اطلاعات ساختاری و کالبدی یکی از گونه‌های شناسایی شده باغ‌های روستایی در راوند، از توابع شهرستان کاشان، با عنوان باغ کاشانی بود. فارغ از مطالعات پراکنده که در معدود حوزه‌های جغرافیایی ایران به این موضوع پرداخته، تاکنون مطالعات جامع بسیار اندکی با عنوان باغ‌های روستایی ایران صورت گرفته است؛ از این رو این حوزه، مطالعات جامع‌تر و وسیع‌تری توسط محققان و دانشجویان رشته‌های مرتبط با موضوع فوق‌الذکر را طلب می‌کند.

به استناد موارد مطرح در متن این پژوهش، باغ‌های روستایی مقیاسی کوچک‌تر از باغ‌های شاهی داشته‌اند، اما الگوها و سازمان فضایی نسبتاً مشابهی با باغ‌های شاهی دارند. باغ کاشانی نیز

بازشناسی شکلی
و ساختار کلی
باغ کاشانی در
راوند کاشان



از این قاعده مستثنا نبوده و حتی با وجود اینکه بخش‌های نسبتاً وسیعی از آن تخریب شده، می‌توان گفت که الگو و سازمانی شبیه به باغ فین داشته است. این گونه به نظر می‌رسد که طراحان و سازندگان باغ کاشانی نیم‌نگاهی به باغ شاهی فین داشته‌اند. البته این قیاس به تحلیل و مطالعات کالبدی و ساختاری ویژه‌ای نیاز دارد که در این مجال نمی‌گنجد.

ساختار از میان‌رفته باغ مذکور از جمله حصار و عرصه باغ، خیابان‌ها و محورها، کرت‌ها و گونه‌های گیاهی و... هنوز قابل شناسایی‌اند. درخصوص حوضخانه تخریب‌شده نیز به استناد چند تصویر باقی‌مانده پیش از تخریب، منبع مکتوب یا مستندات دیگری در دسترس نبوده که البته همین شواهد محدود برای بازشناسی فضای کالبدی حوضخانه، کافی به نظر می‌رسد.

با توجه به مطالب ارائه‌شده در بخش‌های پیشین، باغ کاشانی باغی با الگوهای آشنای باغ‌سازی ایرانی و با فرم و شکلی شبیه به متوازی‌الاضلاع است. این باغ دارای حصار و ورودی‌های چندگانه، اعم از ورودی اصلی و ورودی‌های فرعی بوده است. ورودی اصلی بر روی محور اصلی قرار گرفته و ورودی‌های فرعی بر روی محورهای فرعی جهت خدمات و دسترسی خدمه، دسترسی به عمارت و... شکل گرفته‌اند. عمارت یا کوشک دوطبقه رو به باغ و در فضایی نزدیک به انتهای باغ بر روی محور اصلی با حوضی در مقابل آن مکان‌یابی شده است، همچنین فضاهای خدماتی و جنبی از جمله حوضخانه و سرداب و... بر روی محورهایی فرعی‌تر که البته محل قرارگیری آن‌ها بسیار هوشمندانه انتخاب شده بوده، استقرار یافته‌اند. کرت‌بندی مناسب و چیدمان گیاهی متناسب با شرایط اقلیمی و فرم کرت‌ها و خیابان‌ها از نقاط قوت باغ کاشانی محسوب می‌شوند. باغ کاشانی با ابعادی حدود 145×205 متر و با مساحتی بالغ بر $2/5$ هکتار با شیب بسیار ملایمی حدود $0/03$ درصد سازمان یافته بوده که هم‌اکنون متأسفانه از این شکوه و زیبایی اثر چندانی باقی نمانده است.

با توجه به تعدد و پراکندگی باغ‌های روستایی موجود با الگوهای مختلف و البته ابتدایی و نیز عدم وجود اسناد و مدارک روشن تاریخی، اتخاذ تمهیدات مناسب جهت حفاظت، مطالعه و احیای ساختار کالبدی و عملکردی آن‌ها ضرورتی دوچندان دارد. همچنین مطالعه و تحقیق درباره موضوع باغ‌های روستایی، مسیر روشنی را برای شناسایی ابعاد و الگوهای ناشناخته در این زمینه فراهم می‌سازد تا با استناد به این نمونه‌های موجود، هرچند ساختاری ابتدایی‌تر داشته باشند، به درک و شناخت بهتری از شیوه‌های باغ‌سازی ایرانی دست یابند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ندیمی هبّا طالما قدر قدتما/ أجدّ كما لا تقضیان کراکما
أجدّ كما ما ترثیان لمؤجع/ حزین علی قبریكما قدرثا کما
الم تعلما ما لی براوند کلها/ و لا بخزاق من صدیق سواکما

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پایه ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



جرى النوم بين العظم و الجلد منكما / كأنكما ساقى عقار سقاكما
أصب على قبريكما من مدامة / فان لا تذوقكها ترو تراكما
الم ترحمانى أننى صرت مفردا / و أنى مشتاق الى ان اراكما
فان كنتما لا تسمعان فما ألقى / خليلي من سمع الدعأ نهاكما
أقيم على قبريكما لست بارحا / طوال الليالى أو يجيب صداكما
و أبكيكما طول الحياة و ما ألقى / يرد على ذى عولة ان بكاكما
٢. علائى، ١٣٩٤.

منابع

- حموى، ياقوت، ١٣٨٣، معجم البلدان (نسخة اول، جلد دوم)، ترجمه على نقى منزوى، تهران: پژوهشگاه سازمان ميراث فرهنگى كشور.
- شيروانى، زين العابدين، بى تا، بستان السياحه، سنابى و محمودى.
- علائى، على، ١٣٩٤، «آشنابى و تحليل باغهاى تاريخى روستابى ايران»، مسكن و محيط روستا، ١٧-٣١.
- كريمى، فاطمه، ١٣٦٨، شهرهاى ايران، تدوين محمد يوسف كيانى، تهران: نشر جهاد دانشگاهى.
- كلانتر ضرابى، عبدالرحيم، ١٣٧٩، تاريخ كاشان، تدوين ايرج افشار، تهران: انتشارات اميركبير.
- مستوفى، حمدالله، ١٣٣٦، نزهة القلوب، تدوين محمد دبىرسيافى، تهران: انتشارات طهورى.